

دخالت دولت باید از خانه سینما حذف شود

سینمای ما امروز در دوران پوست انداختن جدید است. در مرحله‌ای هستیم که سینما به جزئی لاینفک در زندگی مردم تبدیل شده و امری نیست که قابل تعطیل کردن باشد. نمی‌توانیم تصور کنیم که سینما به مفهوم عام وجود نداشته باشد. سینما در همه شئون زندگی ما هست و دیگر اینکه سینما یکی از مهم‌ترین ابزار ارتباط جمعی است و وسیله‌ای برای تبادل اطلاعات بوده و خواهد بود. درست مثل زمانی که خط اختراع شد و تصور بر این بود که فقط برای مبادله اطلاعات است ولی این روزها می‌بینیم که همه زندگی ما را خط رقم می‌زند. در سینما هم ما در آغاز این دوران هستیم و به زودی ار ارتباطات مبتنی بر تصویر خواهد بود؛ ارتباطی وسیع و گسترده در حوزه تصویر. اساسا سینما فعالیت مقدسی است و باید همه آداب آن رعایت شود. ولی آنچه مسوولان و حتی همکاران ما انجام می‌دهند در شأن این رسانه نیست. سینما علاوه بر جنبه سرگرمی شئون دیگری نیز دارد ولی این نکته توسط برخی از اهالی سینما و مسوولان رعایت نمی‌شود و مطابق ذات سینما با آن رفتار نمی‌شود. ظاهراً برخی مسوولان و همکاران هم برنامه‌ای برای حفظ سینما ندارند. این نمونه‌های آن حضور سینمای دیجیتال در عرصه جهانی است که ما با مفهوم آن کاملاً بیگانه‌ایم و در این رابطه نه برنامه‌ریزی شده نه برای ثبت آن کاری کرده‌ایم. آنچه سالیان گذشته بر سینما و سابقه فرهنگي ما گذشته رو به اضمحلال بوده و باعث تحلیل رفتن هنر سینمای ما شده است. سینمای ما پر از ادا و بی‌مایه شده است، متأسفانه برخی مسوولان هم حاضرند به این اعمال تن دهند و فیلمسازی ضعیف را تقویت کنند. مثلاً برای شبی مثل چهارشنبه‌سوری فیلم‌های برجسته هالیوودی را پخش می‌کنند، یعنی می‌دانند مردم طرفدار فیلم پربیننده هستند. ما به نوعی در دامن ساختن فیلم‌های سفیف نشستیم. ما هیچ قاعده اخلاقی در این کار نداریم که به آن پایبند باشیم. در واقع رابطه حرفه‌ای به این شکل نداریم. مسوولان و همکاران ما هر دو مقصردند. وقتی سینماگری فیلم ضعیف می‌سازد، مسوولان هم دست به دست آن می‌دهند و کارهای سبک و ساده را به نمایش می‌گذارند، با این روند سینمای ما روز به روز ضعیف‌تر می‌شود و حتی از حداقل‌های تراز جمهوری اسلامی نیز پایین‌تر می‌رویم. آنچه در تلویزیون ما به نام فیلم نشان داده می‌شود آنقدر بدآموزی دارد که من به شخمه مایل نیستم فرزندانم آنها را ببینند. ظاهراً مسوولان ما اصول کلی را فراموش کرده‌اند. از زمانی که معاونت جدید سینمایی بر سر کار آمده‌اند و ۶۴ پروانه نمایش داده‌اند طبق آمار ۲۶ پروانه برای کارگردان تهیه‌کننده‌ها بود. از بین اینها ۱۸ پروانه برای تهیه‌کننده اول، ۱۷ پروانه برای کارگردان اول، ۱۲ پروانه مشترک برای کارگردان و تهیه‌کننده اول بود. از این بین شش یا هفت کارگردان برای دیگری پروانه ساخت گرفته بودند. ۱۴ پروانه هم به افرادی با عنوان شغلی تهیه‌کننده ارائه شد. در نهایت چهار فیلم قابل اعتنا در بازار تولید شد. معنی این اتفاق چیست که پروانه‌ها صرف فیلم‌های سبک شده است؟

در نتیجه همه چیز و همه با هم به ابتذل سینمای ما و عدم پیشرفت آن کمک می‌کند.

در خانه سینما هم باید دخالت‌های دولت کم و تولیدات از جانب فیلم‌های مردمی

باشد و از سوی دیگر دولت تنها باید در توسعه فعالیت‌های صنفی همکاری کند. از روز

اول افتتاح خانه سینما وظیفه نظارتی برای دولت پیش‌بینی شده بود ولی دخالت در

تولید و خلق آثار به دولت ارتباطی نداشت. این مسائل باید به خود اهالی سینما واگذار

شود. دخالت‌های دولت کمکی به پیشرفت سینما نکرد و از طرف دیگر چون حمایت‌های

دولت از بخش خصوصی صورت نگرفت، آسپه‌های زیادی هم به این حوزه وارد شد. ما

موافق نظارت دولت هستیم و این سیاست می‌تواند به پیشرفت سینما کمک کند ولی

دخالت نباید صورت بگیرد.

نقدی زن محور بر رمان چهل سالگی اثر ناهید طباطبایی

در آستانه فصلی سرد

فیلم «چهل سالگی» اقتباسی است از رمانی به همین نام نوشته ناهید طباطبایی که مصطفی رسنگازپور آن را به یک فیلمنامه سینمایی تبدیل کرده است. به‌رغم این حقیقت که اقتباس از رمان به طور قطع با آن تطابق کامل ندارد و نباید هم چنین انتظاری داشت، لیکن پرداختن به این اصل که فیلم چهل‌سالگی تا چه میزان به هدف اصلی رمان وفادار مانده جای بحث و تامل دارد. در این مقال ابتدا نگاهی اجمالی به فیلم خواهیم داشت و سپس به منظور این ادعا که اثر سینمایی از هدف زن‌محوری که در رمان دغدغه اساسی به شمار می‌آید، جدا افتاده است، بر اساس مولفه‌های نگارش زن‌محور رمان را به صورت اجمال تحلیل خواهیم کرد. روایت‌هایی که در اقتباس سینمایی به داستان افزوده شده در مجموع فیلم را از تمرکز بر هسته اصلی دور نگه داشته است. به عرض قاطع می‌توان بیان داشت که دغدغه عمده نویسنده در رمان چهل‌سالگی بحران هویت و حدیث نفس آلاله -شخصیت اصلی رمان- و رسیدن به خودباری در است. لیکن فیلم روایت اضطراب درونی و ملمش‌های فرهاد در مواجهه با عشق سال‌های جوانی همسرش و نحوه برخورد زن با این مساله را پررنگ کرده و از تمرکز اصلی که بحران هویت زن داستان است، غافل می‌شود. تمرکز ثانوی فیلم بر درامی شکلی گرفته است که از یک سو به عشقی ناکام‌پسند است و ۲۰ سال احیایی دوباره می‌بخشد و از سوی دیگر دغدغه اساسی مرد داستان را به شکمش درونی که در برخورد با عشق سابق رزش بنا می‌نهد و از همین جا شکاف بین رمان و آنچه فیلم به نمایش گذاشته است، آغاز می‌شود. بحران هویت و عدم خودباری زن در رمان از آغاز داستان وجود داشته است و بازگشت عشق سابق زن به ایران تنها این بحران را تشدید می‌کند. در مجموع در روایت فیلم شخصیت‌ها به سویی هدایت می‌شوند که منطبق برخاسته از اعمال آنان باورپذیر نیست، تا جایی که مرد روشنفکر و تحصیلکرده داستان -که در جوانی با یادآوندش بدون تفکراتش دست به اختطای آزاد زده و با زنی که کاملاً بر گذشته او وقوف داشته ازدواج کرده است- با آن استراقی سمع بچگونگی شخصیت خود را متحیر می‌کند. شخصیت زن داستان نیز عمق کافی نیافته و از بحران هویت که در نگارش زنانه از جایگاه مهمی برخوردار است و به روشنی در رمان لایحه برداشته شده، دور می‌ماند. در حالی که خودی به خوبی به آن پرداخته شده، دست‌پا بیست. چهل‌سالگی نامی است که طباطبایی برای رمان خود برگزیده است. چهل‌سالگی سنی بحرانی برای اغلب زنان سراسر دنیا تلقی می‌شود؛ دورانی که زنان حال و هوای تازه را همراه با بحران‌های گوناگون تجربه می‌کنند. در این سن بیشتر زنان به زندگی گذشته‌شان نگاهی دوباره می‌افکنند و سردرگمی و اشتغلی نسبت به آنچه پیش روی دارند، آنان را همنی کند. طباطبایی با طرح مبهمونی وپرساخته از مسائل یک زن، روایت داستان را به یک اثر زن‌محور سوق داده است. یکی از مضامین نگارش زنانه طباطبایی در این داستان را می‌توان بازنامی تجربه معینی دانست که برای زنان روی می‌دهد و بر نگارش مردان جایی ندارد. وی تصویر منحصر به فردی از زنان ارائه می‌دهد که اغلب در مسیر عادی زندگی فاقد اهمیت نبداشته می‌شود؛ تصویر ا زبوریاری با خودی که در پی تغییرات، نشاط و سرزندگی است. او با وجود موقعیت شغلی مناسب با انفعال ناشی از گمشستگی دست و پنجه نرم می‌کند. این انفعال آلاله همراه با روشن نبودن احساسات واقعی‌اش در ارتباط با دیگران از او زنی ساخته که برای ادامه زندگی نیازمند تکیه دادن به مردی بوده، لاجرم ازدواج کرده است. «من به مردی نیاز داشتم که تکیه‌گاه خوبی برایم باشد و پختن بهترین غذاها می‌دانست.» این اثرات به ظاهر طنزآلود ابعاد عمیق و تفسیرباری در خود نهفته دارد. به این ترتیب شخصیت خنثی و وابسته آلاله در زندگی منتهی به ترک بزرگ‌ترین دلبستگی، یعنی سازش می‌شود. روایت آلاله صرفاً شخصیت پرداخته‌شده‌ای در مسیر یک قصه نیست، بلکه متأسفانه قنایي درباره بُعد واقعی اغلب زنان با طریقه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازنامای می‌کند.

یکی از ویژگی‌هایی که در نقد زن‌محور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، آفرینش آثاری است که تجربه‌های معین و واقعی زنان را در کانون توجه قرار می‌دهد و نیز به‌رغم بحران هویت، زن انسانی فعال در جامعه و نیز هنرمند روایت می‌شود تا از این رهیافت به خنثی کردن تصویرپردازی‌های رایج در دیگر متون مبنی بر سکون و انفعال زنان ارج نهاده شود. فائق آمدن آلاله بر بحران هویت یکی دیگر از رویکردهای نگارش زنانه است که از یک زن کلیشه‌های ثابت را حذف می‌کند و به واسازی متون متعارض با این متن می‌پردازد؛ زنی که راه عناد با روزمرگی و خمودی در در باور، خویش و اعتماد به نیروهای خلافاش یافته، جای وابستگی را به عشق می‌دهد و روال زندگی خود را متحول می‌سازد. باید اذعان داشت که طباطبایی به در بنیای زنانه گذاشته است و با استفاده از تمهیداتی که صیغه زنانه دارد، مفهوم زن بودن را در میان حقایقش در داستان منعکس کرده است. تمهیدات در این داستان نه بر محور نقد تصاویر مردان و نه بر اساس حذف زنان توسط مردان صورت گرفته است، بلکه در این روایت شخصیت زن داستان از هویت‌بخاشی و عدم باور به خویش‌انست که به بحران دچار می‌شود و با فائق آمدن بر هویت‌باختگی به یک شخصیت خلاقیت و خویش‌پشتی خویش ناام می‌شود. به این ترتیب آلاله اندک‌اندک می‌کوشد به فردیت گمشده‌اش دست یابد و آرام و مستمر در خود و زندگی پیرامونش به تامل بنشیند. وی تامل در فردیت را به کنده شدن از همه چیز و همه کس ختم نمی‌کند، بلکه فردیت بازافته و تامل درونی او را به سوی حرکتی مستمر و هوشیارانه رهنمون می‌سازد. وقوف درونی و هوشیاری دیگر نخواهد گذاشت جریان معمولی زندگی، رسیدن به امور دیگران و روزمرگی «زن» را از خویش دور سازد.

«کارشناس ارشد پژوهش هنر

سینمای ایران

سال پنجم ■ شماره ۱۰۶۲ ■ چهارشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۸۹

گفت‌وگو با علی رفیعی درباره فیلم جدیدش «آقا یوسف»

تشریح زدن توی حوض

▲ اله خسروی‌یکانه

– **آقای رفیعی، ظاهراً این روزها سر زنان خیلی شلوغ است، نه؟**

این روزها هم سرسرگرم تدوین فیلم اخیرم هستم و هم مشغول بازنویسی فیلمنامه‌ای که سه سال پیش قرار بود ساخته شود و مثل خیلی کارها ار آرزوهای ناکام دیگر ساخته نشد. کسانی مثل من بیشتر غیله کارهای به انجام‌رسیده را می‌خورند تا مرمزه کردن لذت کارها و طرح‌های به انجام‌رسیده را.

– **ماجرای فیلمنامه چیست؟**

فیلمنامه‌ای است که نام موقتش «راز» است. مکان وقوع داستان در شمال ایران است و مضمونش «هویت» انسانی است. قصه این فیلمنامه قصه یک آدم دوجنسی است با مصائب، تلخی‌ها و زیبایی‌های زندگی‌اش. فیلمنامه ما را هم با دوران کودکی او آشنا می‌کند و هم با زمان حال او. این فیلمنامه سه سال پیش پروانه ساخت گرفت و به دلیل اینکه دستاوردهای علمی، طبی و اجتماعی کشور ما در این حوزه نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر پیشرفته‌تر و قانونمندتر است، با استقبال بنیاد سینمایی فارابی روبه‌رو شد. به رغم اینکه تلخی شکست این پروژه هنوز برایم فراموش نشده است، همچنان به این و آن دلبسته باقی مانده‌ام و ساختن آن، یکی از بزرگ‌ترین آرزوهایم است.

– **منتظر چه هستید؟**

منتظر فراهم شدن شرایط تولید. به ویژه که نمی‌توانم صبر کنم فیلم فعلی‌ام اکران نشود تا با پول آن این فیلم را بسازم.

– **هفت‌خوان اداری‌اش طی شده؟**

بله، پروانه ساخت این فیلم را آقای تختکشیان گرفتند. بنا بر این، هم به لحاظ اخلاقی و هم به دلائل حرفه‌ای، در ذهن و دل من اولویت با ایشان است. به همین دلیل به محض اینکه تصمیم به ساخت آن گرفتم، مراتب را به دفتر ایشان اطلاع دادم و منتظر پاسخ هستم. – **یعنی دیگر آن مشکلات‌تان با آقای تختکشیان حل شده است؟**

من با شخصی آقای تختکشیان هیچ وقت مشکلی نداشتم‌ام. هر بار هم که نیاز به مشورت با شخصیت باختری در این حرفه داشتم‌ام، با ایشان مشورت کرده و می‌کنم. حجم و تعداد کارهای آقای تختکشیان در این سال‌های اخیر فرصت کافی جهت رسیدگی به فیلم‌های کوچکی مثل فیلم من به ایشان نمی‌دهد.

– **چه توضا می‌**

جدا از این مقوله، مشکلات بین تهیه‌کننده و کارگردان‌هایی از نوع من که با بودجه شخصی و ریش و گرو گذاشتن نزد دوست و آشنا و در برخی موارد نزد بازیگران یا عوامل فانی دیگر فیلم می‌سازند، مشکلاتی ابدی هستند و نباید آنها را به مثابه مشکلات خاص و ویژه تلقی کنیم. به عبارت دیگر مشکلات موجود بین تهیه‌کننده و کارگردان مستقلی مثل من از اینجا ناشی می‌شود که ما، هر دو در دو دنیای متفاوت سیر می‌کنیم؛ یکی به فکر خلاقیت‌است و دیگری دلبستگی تعداد حلقه‌های گوناگونی که مصرف می‌شوند، یکی اندیشه انتخاب و گرفتن بهترین پلان است و دیگری نگران تعداد برداشت‌ها، یکی می‌خواهد فیلمبرداری از ۵۵ روز تجاوز نکند، دیگری دل‌نگار چند برداشت دیگر یا حتی یک اینسرت دیگر است. در مملکت ما برای کارگردان‌های مستقل از جنس من کم اتفاق می‌افتد که ایسن دو دنیای کارگردان و تهیه‌کننده که مثل دو دایره با هم در دو حلقه جدا از همدیگر درخفته‌ند به هم نزدیک شوند و تشکیل یک دایره واحد را ببندند. کم شدن این فاصله و یکی شدن این دو با هم، رویدادی است که منی که بی‌هیچ حمایتی فیلم می‌سازم، نباید به وقوعش دل ببندم. این دل نیستن دو دلیل دارد: نخست اینکه اساساً وقتی می‌خواهم فیلم بسازم یا نمایشی را به صحنه بیاورم، نیاز به پیش‌تولیدی فکرشده دارم. انتخاب لوکیشن‌ها، انتخاب بازیگران و سایر عوامل فیلم، تهیه لباس‌ها و... نباید به دقیقه ۹۰ موکول شود و بعد با شتابزدگی کارها را فیصله داد. این شتابزدگی همیشه مغایر با خلاقیت است. آرزو دارم یک بار هم که شده با صوری دستم به انتخاب‌هایم بزنم. در این صورت است که مجموعه عوامل انسانی که فکرکنده انتخاب می‌شوند، مثل اعضای یک ارکستر، هماهنگ و همدل کار خواهند کرد. دوم اینکه ماهی طلور که اشاره شد، من به لحاظ رفاهی و مالی کارگردانی مستقل هستم. قرار است همیشه در تنگنا کار کنم. تهیه‌کننده‌ای که می‌بیند نه‌تنها دستم باز نیست بلکه از حمایت دولت و هیچ نهادی برخوردار نیستم و دائم در اضطراب تهمه کیی که خود به سر می‌برم، یا پیش نمی‌گذارم و اگر هم بگذارم، می‌خواهد هر چه سریع‌تر سر و ته قضیه را جمع کند و پی کار خود برسد. در این دو فیلم، من مجبور و محکوم بودم که خود سرمایه فیلم را فراهم آورم. – **وقتی وقتی اینچنین با چنگ و دندان فیلم می‌سازید و مسوولیت مالی فیلم را به گرده دارید، وقتی پشت دوربین قرار می‌گیرید، هر چقدر هم که نخواهید، نمی‌توانید ذهن‌تان را از دغدغه‌های مالی منکف سازید. این بدترین آسیب‌های است که در طول روند ساخت فیلم با است و تعدادشان هم کم نیست، نه دلمشغولی تعداد حلقه نگاتیو رنج‌شان می‌دهد و نه از به درازا کشیدن مدت‌زمان فیلمبرداری با چنگ و دندان، بلکه به طور کلی با این گونه اضطراب‌ها بیگانه‌اند. این هم رویداد دیگری است که کسی مثل من نباید به وقوعش دل ببندد. من تا پایان زندگی حرفه‌ای‌ام باید با دلمشغولی تعداد حلقه نگاتیو و مدت‌زمان فیلمبرداری به سر برم.**

– **خب از آقا یوسف چه خبر؟ از روندی که طی شده راضی هستید؟**

اجازه دهید پیش از آنکه از این روند حرف بزنم، از صمیم قلب، مراتب سپاس و قدردانی خودم را از بزرگمردی که با خلوص نیت بی‌نظیرش پروانه ساخت فیلم مرا که یک سال در انتظار دریافتش بودم، گرفت، ابراز کنم. دوست عزیز من، حسین پاکدل، مشکل مرا با آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی آقای تقی علیقلی‌زاده در میان می‌گذارد و ایشان بی‌هیچ پی‌انديشه و چشمداشتی بلافاصله دست به اقدام می‌زنند و سه هفته بعد پروانه ساخت صادر می‌شود. آقای علیقلی‌زاده از ابتدا با صراحت من به گفتند به دلیل در دست داشتن طرح دیگری آمادگی تولید فیلم مرا ندارند و من خود باید شرایط تولید فیلم را فراهم سازم. من به همین دل خوش کردم و پذیرفتم. آمیدورام روزی